



قوام السلطنه

و اسناد مهم سياسى و تاريخى

سويد ۲۰۲۰

گردآورنده: فاروق فرهاد

مقدمه:

احمد قوام نامی نه گمنام در تاریخ ایران، او پنج بار به مقام نخست وزیری رسید، و در بحرانی ترین زمان و وقایع ایران بر مسند قدرت رسید ولی کابینه‌هایش اغلب عمر طولانی نداشتند. بیشترین لقبها را به خود اختصاص داد، قوام السلطنه، جناب اشرف، جادوگر سیاست ایران، چرچیل ایرانی، او بود که توانست استالین را فریب دهد، او بود که توانست جمهوری آذربایجان و کردستان را شکست دهد

اسناد سیاسی وزرات خارجه امریکا، انگلیس، و شوروی و گزارشهای سفیر این وزراتخانه به کشورهای متبوع خویش خلاف آنچه در باره قوام نوشته شده به ما نشان میدهند. قوام بدون برنامه ریزی و مشورت با سفیران این کشورها نتوانسته کاری از پیش ببرد.

این اسناد که در اینجا نوشته شده خلاصه‌ای از دهها سند است و فقط ملاقاتهای قوام با سفیران این کشورهاست و بطورکامل میتوانید به کتاب "زندگی سیاسی قوام السلطنه" نوشته: جعفر مهدی نیا مراجع کنید.

سوید ۲۵/۱۱/۲۰۲۰

فاروق فرهاد

زندگی احمد قوام السلطنه

آقای احمد قوام ملقب به " قوام السلطنه " فرزند مرحوم میرزا ابراهیم معتمدالسلطنه آشتیانی است که در سال ۱۲۶۳ در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی و ادبی را در تهران نزد میرزا محمد گلپایگانی و تحصیلات متوسطه را نزد علامه شیرازی و میرزا سید علی شیرازی فرا گرفت و آنگاه به تحصیل زبان فرانسه مشغول و مدتها شاگرد مسیو برنئو فرانسوی و مرحوم دکتر سید ولی اله خان نصر بود.

در سن هفده سالگی برای تکمیل تحصیلات عازم اروپا شد و در پاریس در مدرسه حقوق در رشته علوم سیاسی مشغول تحصیل گردید ولی به پایان آن موفق نشد. وقتی از فرانسه به ایران بازگشت مورد توجه مظفرالدین شاه واقع و به ریاست دفتر مخصوص شاه منصوب و چندی بعد به لقب (دبیر حضوری) و بعد (وزیر حضوری) ملقب گردید در همین سمت بود که فرمان مشروطیت را خود نوشت و مظفرالدین شاه بر آن صحه گذاشت.

بعد از مشروطیت قوام نیز مانند سایر عناصر ارتجاعی، لباس مشروطه خواهی بر تن کرد و چندین بار به مقام وزارت و نخست وزیری دولت مشروطه ایران رسید و در جریان همین فعل و انفعالات وی قطب سیاسی خود را تغییر داد و به یکی از خدمتگزاران امریکا مبدل شد.

در اوائل مشروطیت لقب " قوام السلطنه " را از مظفرالدین شاه دریافت کرد. وقتی مظفرالدین شاه پادشاه علی قاجاریه می خواست فرمان مشروطیت را صادر کند احمد قوام فرمان مشروطیت را انشاء کرد و شخصا نوشت و پس از آن مقام معاونت وزارت کشور را اشغال کرد.

برای اولین بار در کابینه مستوفی المالک که در اوائل مردادماه ۱۲۸۹ خورشیدی تشکیل یافت وزیر جنگ شد. در موقعی که ستارخان و باقر خان و جمعی از مجاهدین مشروطیت پارک اتابک (باغ سفارت شوروی) را متصرف شده بودند به وزارت جنگ منصوب شد و بلافاصله فرمان حمله به پارک و قلع و قمع مجاهدین را داد. پس از رفع غائله پارک اتابک احمد قوام (وزیر حضور) به لقب (قوام السلطنه) منصوب شد و بلافاصله والی خراسان شد.

در کودتای ۱۲۹۹ به دستور سید ضیاءالدین طباطبایی دستگیر و زندانی شد و پس از پایان حکومت ۹۱ روزه کودتا، قوام السلطنه بریاست وزرا منصوب شد و رضا خان " سردار سپه " در کابینه قوام سمت وزارت جنگ را داشت.



قوام السلطنه در دوران قاجار

در آن هنگام قوام با اعطای امتیاز نفت شمال ایران به کمپانی " استاندارد اویل کمپانی " موافقت کرد و قانون مربوط به آن امتیاز را به مجلس برده از تصویب گذارند. ولی به علت اینکه کمپانی مزبور قسمتی از سهام خود را به کمپانی انگلیسی واگذار کرده بود قرارداد مزبور لغو شد. علاوه بر این قوام السلطنه عده‌ای از مستشاران امریکایی را نیز به ایران آورد.

اما رضا خان تنها به منظور اینکه قدرت را شخصا به دست گیرد و حمایت دولت شوروی را نیز نسبت به خود جلب سازد، قوام را توفیف و تبعید کرد و بنا به نوشته حسین مکی: وقتی سردار سپه با سفارت شوروی محرمانه موضوع دستگیری قوام السلطنه را مطرح ساخت، آنها کاملاً سردار سپه را تشویق کرده و قول موافقت و مساعدت دادند.

قوام السلطنه در مدت عمرش یکبار زندانی شد، پنج سال تبعید بود و یکبار نیز تحت تعقیب بود و اموالش مصادره شد.

قوام در دوره رضا شاه مدت ۲۰ سال از صحنه سیاست به دور بود. در آذر سال ۱۳۰۸ از اینکه رضا شاه اموالش را ضبط کند قسمتی از آنها بنام خانمش و اشخاص دیگر به ثبت رساند و در ۱۷ آذر ۱۳۲۱ حادثه خونینی که منجر به کشتار بی سابقه مردم پایتخت گردید روی داد، یک بار دیگر

قوام به مقام نخست وزیری رسید و بنا به سابقه و دوستی با امریکا، عده زیادی از مستشاران امریکایی و از آن جمله دکتر "مپلیسیو" را به ایران آورده و امور مالی کشور را به دست آنها سپرد.

فرخی یزدی در روزنامه "توفان" تحت عنوان "خانواده‌ی خیانت" وی را چنین معرفی کرد: اگر به ادوار سیاه و ننگین خانواده قوام السلطنه مراجعه کرده و بخواهید از قاموس کلمات، برای این فامیل طماع و بی حقیقت اسمی استخراج سازید، بدون هیچ اندیشه و تامل بایستی در صدر دیباچه اعمال ایشان و در سرلوحه تاریخ وزرات و حکومت آنها "خانواده خیانت را به خط برجسته بنگارید.

بعد از سقوط سومین کابینه‌اش که منجر بروی کار آمدن سردار سپه شد به اروپا تبعید و مدتها در ممالک سویس و فرانسه بسر میبرد. در اوائل سلطنت رضا خان به ایران باز گشته و تا شهریور ۱۳۲۰ خانه‌نشین بود. در مرداد ماه ۱۳۲۱ از طرف مجلس سیزدهم به نخست وزیری انتخاب و از وقایع دوره زمامداری او واقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ است که عده بسیاری در آن روز کشته شدند. در بهمن همین سال از کار کناره‌گیری کرد تا اینکه در بهمن سال ۱۳۲۴ مورد تمایل مجلس چهاردهم قرار گرفت و با اکثریت ضعیفی به نخست وزیری رسید، که طولانی ترین دوران نخست وزیری او بود و

مدت ۲۲ ماه ادامه داشته است. از وقایع مهم این دوره، مسافرت او به مسکو برای حل اختلافات ایران و شوروی بر سر مسله آذربایجان و تخلیه ایران بود و امضاء قرارداد نفت با "ساد چیکوف" سفیر کبیر شوروی در تهران و تشکیل حزب دموکرات ایران به رهبری خود و مظفر فیروز و شروع و انجام انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی و دستگیری مخالفین.



محمد رضا شاه پهلوی و احمد قوام

قوام با سیاست جانبداری از نیروهای سیاسی وارد میدان شده بود و در موقعیتی قرار گرفت که دولت شوروی پشتیبانی خود را از وی اعلام کرد. نیروهای سیاسی بویژه حزب توده در وجود قوام شخصیتی را دیدند که می تواند با

روابط نزدیک با شوروی دست ابرقدرتها را کوتاه کنند. تشکیل حکومت ائتلافی قوام - حزب توده امتیازی بود که قوام به شورویها داده بود و قوام تصور می کرد که با تقویت حزب توده می تواند در برابر جناح دیگر هیات حاکمه بهتر و بیشتر مقاومت کند. قوام نیز تصور نمی کرد و باور نداشت که شورویها به این زودی و به این آسانی از آذربایجان و انتظاراتشان دست بردارند.

پس از پیدایش نهضت جنوب در برابر نهضت شمال و تغییر سیاستهای غربیها قوام حس کرد که دوران همکاری با حزب توده سرآمده است بهمین مناسبت، پس از چند ماه که از همکاری و حکومت کابینه ائتلافی گذشته بود، سه نفر وزیر توده‌ای را کنار گذاشت. در پشت پرده سیاست جدید، پایان دادن به عمر فرقه در کار بود تا پس از آن امتیاز نفت شمال نیز منتفی گردد.

شاه شخصا نسبت به قوام بدگمان بود و از آن وحشت داشت که توافق قوام با شورویها و سازش وی با حکومت ملی آذربایجان، منجر به خلع او از سلطنت و احتمالا برقراری رژیم جمهوری شود.

قوام السلطنه از گروهها و احزاب سیاسی به عنوان نردبانی برای رسیدن به قدرت استفاده کرده سپس آن نردبان را شکست. از فریبکارترین نخست وزیرانی بود که در دوران

اخیر بر سر کار آمد. وی سیاستی را که صدرا لاشراف و حکیمی نتوانسته بودند با خشونت و غیض و غضب عملی سازند، با خدعه و نیرنگ و تعارف و مجامله به مرحله اجرا درآورد. قوام در حالیکه ادعای مخالفت با ارتجاع و استعمار را داشت، تمام نوکران استعمار و مزدوران ارتجاعی را زیر لوای حزب دمکرات ایران گرد آورد.



احمد قوام در بازگشت از مسکو، فرودگاه تهران پس از آنکه موافقت نامه "قوام - سادچیکوف" در باره امتیاز نفت شمال و تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی در مجلس شورای ملی "کان لم یکن" شد کابینه قوام

السلطنه سقوط کرد و اموال و دارائی حزب دمکرات ضبط و مصادره شد، قوام به اروپا رفت و تا سال ۱۳۲۸ در فرانسه و سویس بسر میبرد. در آن سال که مجلس موسسان دوم تشکیل شد قوام السلطنه نامه به دربار نوشت در نتیجه وزیر دربار لقب (جناب اشرف) را که در سال ۱۳۲۵ باو داده بودند پس گرفت. قوام پس از مدتی به تهران آمد.

روز ۲۵ تیر ۱۳۳۱ مرحوم دکتر مصدق مستعفی شد و روز بعد فرمان نخست وزیری احمد قوام صادر گردید. قوام السلطنه اولین اعلامیه خود را تحت عنوان (کشتیان را سیاستی دیگر آمد) و با جمله وای بحال کسی که... منتشر کرد. این اعلامیه و بی اعتنائی اطرافیان قوام السلطنه نسبت به مسئله ملی کردن نفت و نهضت ملی سبب عصبانیت عمومی شد.

روز ۲۹ و ۳۰ تیر بازار تعطیل و زدو خورد بی سابقه‌ئی در شهر آغاز شد بموجب آماری که بعدها کمیته تحقیق مجلس شورای ملی به سرپرستی دکتر مظفر بقائی کرمانی منتشر کرد در آنروز ۱۱۶ نفر مفقودالاضر و ۲۷ کشته شدند. همان روز که قوام السلطنه از مجلس تقاضای اختیارات کرده بود معذول شد و دکتر مصدق پس از چند روز زمامدار شد.

روز ۸ آبان آن سال مجلس شورای ملی طی ماده واحده‌ای به وزارت دادگستری اجازه داد که نسبت به وقایع ۲۷ تا ۳۰ تیر تحقیق و قوام را مورد تعقیب قرار دهد.



خانه قوام السلطنه (موزه آبگینه کنونی)

روز ۱۳ آبان ماه مجلس ماده واحده‌ای در تبصره تصویب کرد که به موجب این قانون قوام السلطنه (مفسد فی الارض) شناخته شده و اموالش از ملکیت او خارج می شد. روز سه‌شنبه صورت برداری از اموال قوام شروع شد، جریان مصادره اموال تا مهر ۱۳۳۲ ادامه داشت. در ۲۹ مهر آنسال دادگاه استان تهران بر عیله وزارت دارائی که مامور اجرای قانون ۱۳ آبان بود و بنفع قوام السلطنه رای داده وزارت دارائی را ملزم برفع مزاحمت از اموال متصرفی کرد. پس از مدتی مجلسین شورای ملی و سنا نیز بنفع قوام رای دادند.

قوام در عنفوان جوانی با اشرف خانم دختر علاالدوله ازدواج کرد ولی صاحب فرزندی نشد. پس از وقایع شهریور با یک دختر از اهالی لاهیجان ازدواج کرد و از این ازدواج فرزند ذکوری بدنیا آمد که حسین نامیده شد.



قوام السلطنه در بستر بیماری

قوام السلطنه مردی بود مدبر، با حوصله، خونسرد، دقیق و موشکاف در امور مهمه طرفدار مشورت بود و با دقت به سخنان گوش میداد. در اتخاذ تصمیم سریع و چالاک بود ولی شتابزدگی و عجله را دوست نمی داشت در انجام تصمیمات خود دلیر و شجاع بود. همچنین در زمامداریش بسیار با اقتدار رفتار میکرد و چون از ابتدای جوانی در خدمت

دیوانی و درباری بسر برده بود هواخواه و طالب تشریفات بود و از اجرای روسوم تشریفات بسیار لذت میبرد. قوام خوشنویس و شاعر هم بود. نزدیک هزار بیت از اشعار او در دست می باشد. زندگی روزانه قوام را بدون اغراق هیچکس ندانست تعداد لباسهای او از صد دست متجاوز بود و محال بود یک دست لباس را دو روز متوالی بپوشد. بهترین یارانش محمد قوام برادرزاده اش و بعد اکبر خان نوکر معروف او بود. اما نقاط ضعف وی: طالب جاه و مقام بود. برای رسیدن به مقام و حفظ آن از هیچ عملی روگردان نبود. این دلبستگی و علاقه را تا پایان حیات حفظ کرد. در عین سخاوت طبع به ازدیاد و جمع اموال علاقه فراوان داشت.

از عادات عجیب قوام تکبر او بود در دوره نخست وزیری در اطاق کارش در وزارت خارجه غیر از میز تحریر و صندلی آن مبل و یا صندلی دیگری نبود بدین جهت ارباب رجوع و حتی وزیران ایستاده با او صحبت میکردند.

قوام از تملق و چاپلوسی نیز بسیار خوشش می آمد. با اینکه متجاوز از پنجاه سال عهده دار خدمات مختلف دولتی بود و قاعدتا بایستی از ریا و تزویر متملقین بخوبی آگاه باشد معهذاتن نتوانسته بود این خوی نامطلوب را از خود دور نماید!



علی امینی در کنار پیکر قوام لحظاتی پس از درگذشت وی ساعت ۷،۵ صبح روز شنبه سی یکم تیر ماه سال ۱۳۳۴ احمد قوام "قوام السلطنه" دچار سکته قلبی شد و چشم از دنیا بست و در قم دفن شد.

منبع: از کتاب زندگی سیاسی قوام السلطنه، تالیف: جعفر مهدی نیا، چاپ چهارم ۱۳۷۵

تخلیه ایران اسناد مهم سیاسی تاریخی ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴

تلگرام ۲۸۴۶ - ار...ر ۸۹۱

تلگراف موری سفیر امریکا در ایران به وزارتخارجه امریکا
تهران ۲۸ ژانویه ۱۹۴۶ - ۸ بهمن ۱۳۲۴

محرمانه، با حق تقدیم

من دیروز قوام را پس از آنکه فرمان انتصاب رسمی خود را
به نخست وزیری دریافت کرد ملاقات نمودم. او پیشنهاد
کرده است که کوشش در ایجاد مذاکرات با روسها هم در
اینجا و هم در مسکو بعمل آید و باضافه در نظر دارد که یک
هیئت مخصوص برای انجام مذاکره به آذربایجان بفرستد.
او یادآور شد که آذربایجان را با دادن انجمنهای محلی "رام
" خواهد کرد. (من چنین استنباط کردم که او مجلس فعلی
تبریز را برسمیت نخواهد شناخت).

قوام گفت او معتقد است که مشکلات امروز ایران و روسیه
شوروی به بحران اواخر سال ۱۹۴۴ بر میگردد، یعنی
هنگامیکه ساعد نخست وزیر بود و از پذیرفتن درخواست
حق استخراج نفت وسیله روسها امتناع ورزید.

من از فرصت استفاده کرده و گفتم دولت ایران باید تصمیم
به تجدید مذاکرات در باره امتیاز نفت بگیرد و ما نیز انتظار

داریم که از آن با خبر گردیم تا اینکه شرکتهای امریکایی بتوانند مجددا پیشنهادهائی تقدیم نمایند.

قوام گفت قصد اصلی او این بود که تشکیل کابینه خود را بتعویق اندازد تا پس از آنکه تصمیم گرفت که آیا روسها میل دارند با ایران بر اساس رضایت بخشی وارد مذاکره شوند یا نه. بهرحال او معتقد است که این ممکن است مدت درازی بطول انجامد و غیر عاقلانه خواهد بود که مملکت را بدون هیئت دولت برای مدت نامحدودی به حال خود واگذاشت. بنابراین من تحت این تصورم که او بزودی انتخاب وزرای خود را آغاز نماید. او یکبار گفت چنانچه وزراتخانه ما و یا سفارت ما بتواند راجع به اجرای وظایفش با راهنماییهای بدهد سپاسگزار خواهد بود.

موری

تلگرام ۷۶۱ - ۹۱ - ۲ - ۸۴۶

تلگراف موری سفیر امریکا در ایران به وزارتخانه امریکا

تهران ۸ فوریه ۱۹۴۶ - ۱۹ بهمن ۱۳۲۴

محرمانه

دیروز " قوام " بمن گفت او شک دارد که روسها قصد داشته باشند در ۲ مارس ایران را تخلیه نمایند. بهرحال او اظهار امیدواری کرد که در نتیجه مذاکرات پیش بینی شده‌اش در مسکو که او می‌پندارد در آنجا بتواند محیط دوستانه‌تری بوجود آورد ترتیب عقب نشینی داده شود.

او بطور حتم تصمیم گرفته است که شخصا به مسکو برود اما هنوز وقت دقیق حرکت یا انتخاب افرادی که با خواهند بود معین نشده است. او یادآور شد در این باره باید تا بعد از تشکیل کابینه که گمان می‌کند در ظرف هفته آینده انجام گیرد صبر کند.

من تذکر دادم که در بعضی محافل بنظر میرسد احساس مینمایند که شخصا دست به این سفر زدن غیر عاقلانه باشد. در جواب گفت: او نیز این گفته‌ها را شنیده است ولی اینگونه اشارات برای بی اعتبار ساختن و تضعیف وضع او صورت میگیرد. او شدیداً از تصمیم خود برای رفتن دفاع میکند.

در پاسخ به سؤال من قوام گفت: او هنوز قصد دارد که یک هیئت به آذربایجان بفرستد و نقشه‌اش این است که این هیئت را همان موقع که خود به مسکو میرود به آذربایجان اعزام دارد. نخست وزیر با نفرت از گزارش رویتر مبنی بر دادن امتیازات بسیار به آذربایجان و به روسها سخن گفت. (تلگرام ۱۷۲ من مورخ ۸ فوریه) وقتی من او را دیدم او کنفرانس مطبوعاتی تشکیل داده بود و بطور قاطع آنرا تکذیب کرده بود. در بحث بامن قوام اطمینان خود را از اینکه این گزارش از سید ضیال‌الدین (دشمن سرسخت او) ناشی شده است ابراز داشت چه او میخواست است اول او را نزد انگلیسها بی اعتبار کند و دوم اینکه او مجبور به تکذیب دادن هر نوع امتیازی به روسها قبل از اینکه مذاکره با آنها شروع شود گردد. او مخصوصا از رویتر عصبانی بود که چرا قبلا بدون آنکه صحت و سقم خبر را از خود او جویا شود آنرا منتشر کرده است.

موری

تلگرام ۴۴۶ - ۲ - ۹۱ ، ۷۶۱

تلگراف "کنان" کاردار سفارت امریکا در اتحاد شوروی به
وزارت خارجه امریکا

مسکو ۴ مارس ۱۹۴۶ - ۱۲ اسفند ۱۳۲۴

بسیار محرمانه، فوری

بعد از ظهر به ملاقات قوام نخست وزیر ایران (که در مسکو
اقامت دارد) رفتم. او خیلی متاثر بنظر میرسد و اظهار
داشت نتوانسته بوده است به هیچ تفاهمی با روسها برسد
و در نظر دارد فردا به تهران بازگردد و برای آخرین بار
امشب با استالین ملاقات نماید. قوام گفت: استالین را با
تأسف بسیار خشن یافته است.

او سپس از من استعلام نمود که آیا بعقیده من او میتواند
در صورت شکست مذاکرات و عدم حصول قرارداد با روسها
روی حمایت دولت ما حساب کند. من باو گفتم که من فقط
میتوانم بگویم که دولت متبوع من با نظر بسیار جدی
بتعهدات خود به عنوان عضو سازمان ملل متحد می نگرد و
چنانچه این مسئله یا بوسیله ایران و یا دولت ثالثی به
شورای امنیت برگشت داده شود من مطمئن هستم که دولت
متبوع من آنچه در قدرت دارد انجام خواهد داد تا آنکه این

مسئله با انطباق با اصول و مرام منشور ملل متحد حل و فصل گردد.

هنگام بیرون آمدن با آقای نخست وزیر ایران اظهار امیدواری کردم که شاید در مذاکرات نهائیش با استالین حسن پیش آمد غیر مترقبه در بهبود مسئله بوجود آید و از او خواهش کردم در صورتیکه نقشه حرکت فردای خود را صورت نداد مرا در جریان بگذارد.

کاردار سفارت انگلیس در مسکو که امروز با قوام ملاقات کرده بود به من اظهار داشت که قوام با این عبارات با او سخن گفته بوده است:

او (قوام) کمک و معاونت روسها را در اهتمام بحل اوضاعی که در شمال ایران بوجود آمده است خواسته است. روسها صریحا از دادن چنین کمکی روکرده اند. آنها تجدید تقاضای امتیاز نفت نموده اند که او مختصر جواب داده بود او نمیتواند با وجود قانون منع مذاکرات نفت با هر کشوری که در قلمرو ایران قشون دارد این موضوع را مورد بحث قرار دهد. آنها همچنین از او خواستار شناسائی خودمختاری رژیم حکومت محلی شمال ایران شده بوده اند و او برای آنها توضیح داده بوده است که در این باره نیز هیچگونه اختیار مذاکره ندارد. با این وضع مذاکرات به بن بست رسیده و او دلیلی برای ماندن بیشتر در آنجا ندیده است. هرچند هم

همکار من و هم خودم شک داشتیم که قوام توانائی مقاومت در برابر فشار روسها را داشته باش، باید بگویم که اینک تحت این تاثیرم که قوام با یک چنان قیودی از طرف دولت خود به اینجا در اجرای توانائی خود آمد که برایش ممکن نشد که بهیچگونه توافقی با روسها دست یابد جزاینکه بوضوح از دولت خود که نمیخواست از آن اندیشه‌ای هم بخود راه دهد بدفاع برخیزد.

تحت شماره ۴۶۲ به وزارتخارجه امریکا (واشنگتن) - ۲۹ تکراری به تهران (سفارت امریکا) - محرمانه برای رئیس میسیون " کنان "



در سال ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶ مذاکرات بین قوام و استالین رهبر شوروی در همین اطاق صورت گرفت.

تلگرام ۱۱۴۶ - ۲،۲۴۵۹،۸۶۱

قسمتهائی از تلگراف موری سفیر امریکا در ایران به وزارت
خارجہ امریکا

تهران ۱۱ مارس ۱۹۴۶ - ۲۰ اسفند ۱۳۲۴

بسیار محرمانه، بی نهایت فوری

دیروز کاخ شاهنشاه را به موقع ترک کردم تا مراسم استقبال
برای قوام در ورودش به فرودگاه در ساعات ۱۲،۴۵ دقیقه
بعمل آورم. به کاخ شاهنشاه رفت تا گزارش مختصری به
شاهنشاه عرض کند. در زیر مضمون مذاکراتی است که بین
من و قوام دو ساعت و نیم بطول انجامید و او تقاضا کرد که
کاملاً محرمانه بماند.

۱- قبل از آنکه از او راجع بمذاکرات مسکو استعلام نمایم
نسخه‌ای از یادداشت مورخ ۶ مارس خودمان به دولت شوروی
که او قبلاً ندیده بود و مضمونش برایش ترجمه شده بود باو
دادم. من هبچنان ضروری و ابتکاری یافتم که طبق تلگرام
۱۸۸ مورخ ۸ مارس توصیه کرده بودید که او را از قصد دولت
متبوع خود در صورت ادامه نگاهداشتن قشون خود در ایران
بدون تمایل دولت ایران مبنی بر مطرح ساختن فوری شکایت
ایران در شورای امنیت آگاه ساختم.. و مخصوصاً این نکته
را تاکید کردم که بی نهایت مهم و حیاتی است که هیچگونه

ضعف و تردید در تصمیم دولت ایران که در این باره باید اقدام نماید دیده نشود. من هیچگونه اشاره که دولت متحده امریکا ممکن است به ابتکار خود در صورت قصور ایران انجام دهد ننمودم.

نخست وزیر سپس گفت قبل از مرور مذاکرات مسکو او مایل است بپرسد که امریکا و انگلیس چه میکنند و چه خواهند کرد چنانچه دولت شوروی اعتراض ما را ناشنیده بگیرد و چه اقدامی میسر است. من باو گفتم ممکن نیست من فعلا جواب قطعی باین سؤال بدهم.

قوام گفت: او سه موضوع را در مسکو مطرح کرد. (الف) او کوشید که وعده شوروی را در عقب نشینی سپاهیان قبل از دوم مارس بدست آورد. (ب) او از حمایت اخلاقی روسها در رفع مشکلات آذربایجان استمداد نمود. (ج) او تقاضا انتصاب سفیر جدیدی از طرف شوروی را برای ایران نمود (که انجام شد).

استالین گفت: آذربایجان مسئله داخلی ایران است. چرا باید ایرانیان اینقدر آشفته گردند چه آذربایجانیها خود تقاضای خودمختاری دارند نه استقلال! بهرحال اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کاری نمیتواند انجام بدهد زیرا " شرف شوروی درگیر است ".

این اظهار بدون توضیح ماند و قوام گفت مشروطیت اجازه خودمختاری را نمیدهد. چنانچه آذربایجان خودمختار شود سایر ولایات نیز از آن پیروی میکنند و حکومت مرکزی کنترل آنها را از دست میدهد.

مولوتوف پیشنهاد کرد که دولت ایران رژیم آذربایجان را منهای وزارت جنگ و وزرات امور خارجه برسمیت بشناسد. قوام اظهار داشت که او مایل است با آذربایجان سازش نماید ولی تا آنجائیکه قانون انجمن ولایات اجازه میدهد، اما احتمالاً نخواهد توانست ترتیبات فعلی را بپذیرد.

در محرمانه‌ترین اظهارات و بدون بیان مطلبی که این اشاره باعث شده است. قوام بمن اظهار داشت که در یک موضوع استالین و مولوتوف فریاد زدند که: ما اهمیتی نمیدهیم که امریکا و انگلیس چه فکر خواهند کرد - ما از آنها وحشتی نداریم. او از من خواهش کرد این موضوع را به دولت خود گزارش ندهم و گفت او خود هم این موضوع را به شاهنشاه عرض نکرده است.

من تحت این توهم هستم که این استدراک کوششی است که از طرف قوام برای تقرب بتمایل امریکا و انگلیس بعلت عدم توانائی او در برآوردن خواسته‌های شوروی باشد.

من مجدداً یادآور شدم که شایعاتی از مسکو به تهران رسیده است مبنی براینکه قوام ممکن است با وسوسه‌های خیانت

روبرو شود. من شخصا این داستانها را باور نمی‌دارم و امیدوارم اقداماتش کذب آنها را نشان دهد. او شانه‌هایش را با تنفر بالا انداخت و به من اطمینان داد که آنچه را بمن اظهار داشته حقیقت محض بوده است.

نخست وزیر گفت: در تمام مدت هر نوع کوششی را بعمل آورد که از ابراز هر نوع کلمه و یا حرف کدورت بخشی به روسها بپرهیزد. معذالک به نظر میرسید که در بعضی از مذاکرات گرفتگی و کدورت خاطر مشاهده میشد.

رویه‌مرفته اینجانب از صداقت مذاکرت او در مسکو احساس آرامش کردم و گمان میکنم هر چند نکاتی را هم مسکوت گذاره باشد حقیقت را ابراز داشته است. من در عرض این یکی دو روز یک ملاقات دیگر با او خواهم نمود و امیدوارم موضوع مثبت تری بدست آورم.

اعلیحضرت نگرانی عمیق خود را راجع به شایعه امکان تسلط بر پایتخت وسیله شوروی و بدست آوردن کنترل دولت را ابراز داشته و خاطر نشان ساختند چنانچه این عمل رخ دهد، شورویها دستورهائی به علاء دیکته خواهند کرد که ایران را از توسل و انتجاء بمجمع ملل متحد باز خواهند داشت و همکاری ایران و ممالک متحده امریکا را غیر ممکن خواهند ساخت.

شاهنشاه پیشنهاد کردند که در یک چنین موقعیتی ممالک
متحده امریکا و انگلستان لاقلاً می‌توانند به ابتکار خود
براساس تعهدات خویش عمل کرده و صدای احساسات ایران
را منعکس سازند. شاهنشاه این نکته را یادآور شدند که
وضع ایران اکنون خیلی روشن‌تر و ساده‌تر از هنگام بحث
آن زمان حضور مداوم سپاهیان روسیه در ایران پس از دوم
مارس نقض علنی قرارداد است و ضرورت ندارد که دخالت
سایر مقامات شوروی را بطرف دیگر ارائه داد. من موافقت
کردم و عرض کردم با توجه به وضعیت عالی پرونده ایران
البته برای ایران نهایت ناپختگی خواهد بود که در این
مرحله از خود ضعف نشان دهد

موری

تلگرام ۱۴۴۶-۳-۲۴۵۹۱-۸۶۱

قسمتهایی از تلگراف موری سفیر امریکا در ایران به وزیر
خارجہ امریکا

تهران ۱۴ مارس ۱۹۴۶-۲۲ اسفند ۱۳۲۴

خیلی محرمانه، فوری

قوام دیشب وعده قطعی خود را مبنی بر اینکه ظرف ۲ یا ۳ روز دستورالعمل برای علاء خواهد فرستاد تا شکایت ایران را در شورای امنیت طرح نماید ابراز داشت. امروز صبح در پذیرائی وزرات امور خارجہ گفت دستور پیش نویس دستورالعمل را داده است و اضافه کرد به علاء خواهد گفت که روش ملایمی در هنگام عرضه عرضحال در پیش گیرد تا مبادا دشمنی غیر ضروری را از طرف شوروی برانگیزاند. او به شورویها اظهار خواهد کرد که این عمل نباید یک عمل غیر دوستانه تلقی گردد زیرا او فقط وظایف قانونی خود را انجام میدهد.

در طول مذاکرات که من آنها فوق العاده رضایت بخش یافتم مجدداً من اهمیت واقعی عمل ایران را که خودش در دفاع از حق خودش تا آنجائیکه آزادی سخن دارد صحبت کند تأیید کردم. قوام تصدیق نمود.

موری

تلگرام ۱۵۴۶ - ۳ - ۲۴۵۹

تلگرام موری سفیر امریکا در ایران به وزیر خارجه امریکا
تهران ۱۵ مارس ۱۹۴۶ - ۲۴ اسفند ۱۳۲۴

خیلی محرمانه، فوری

یک نفر مامور محرمانه از طرف قوام امروز صبح برای
ملاقات سفیر انگلیس و اینجانب با پیغام زیر آمد:

کاردار سفارت شوروی دیروز به ملاقات نخست وزیر رفت و
گفت: دولت شوروی شنیده است که او در نظر دارد که به
شواری امنیت شکایت کند. کاردار گفت این عمل بعنوان عمل
غیر دوستانه و خصمانه تلقی خواهد شد و نتایج منفی برای
ایران ببار خواهد آورد و بنابراین او نصیحت داده بوده که
قوام دست به یک چنین اقدامی نزند.

ظاهرا بعلت مقاومت سرسختانه که قوام در طول مذاکرات
نشان داده بود کاردار شوروی بالاخره وضع خود را جزئی
تغییر داده و به نخست وزیر فشار آورده بود که لااقل از
اینکه شخصا ابتکار رجوع به شواری امنیت را در دست گیرد
خوداری نماید و منتظر تقاضای شورای امنیت راجع به این
به گزارش شود. (قوام میخواهد که هیچگونه اشاره باین
مذاکرات با کاردار چه در شواری امنیت و چه جای دیگر
مطلقا نشود).

در این زمینه ملاقات کننده ما (که بسیار با هوش و روشن است و مقام عالی دارد اگرچه عضو کابینه نیست) پیشنهاد کرد که شورویها احتمالا سفیر جدیدی در چند روز دیگر باینجا خواهند فرستاد که در قوام امید را زنده نگاهدارد و او را وادار به تجدید و تمدید مذاکرات مسکو در اینجا نماید. ضمن انجام آن به قوام توصیه خواهد کرد که هرگونه توسلی به شواری امنیت در خلال مذاکرات عملی بسیار نامناسب و غیر دوستانه خواهد بود و کلیه امیدهای اصلاحی و سازش ایران و شوروی را تباه خواهد ساخت و با وسوسه در نخست وزیر به حل موضوع با گرز و چماق تهدید مصیبت بزرگی را وارد خواهند آورد.

ملاقات کننده همچنین از امکان عمل دیگر شوروی یاد کرد که پس از وادار ساختن قوام در بتاخیر انداختن ارجاع شکایت آنگاه کابینه او را بین حالا تا ۲۵ ماه مارس ساقط خواهند کرد و کابینه بعد را دقت خواهند داشت که کاملا تحت کنترل آنها باشد و بدینوسیله ارجاع شکایت ایران را به شورای امنیت بکلی از بین میبرند.

موری

تلگراف ۱۵۴۶ - ۳ - ۲۴۵۹۱ - ۸۶۱

تلگراف وزیر خارجه امريکا به موري سفير امريکا در ايران

واشینگتون ۱۵ مارس ۱۹۴۶ - ۲۴ اسفند ۱۳۲۴

بسیار محرمانه، بسیار فوری

سفارت انگلستان همین حالا وزارتخانه را مطلع ساخت که سفير انگلیس در تهران به وزارت خارجه تلگراف کرده است که رئیس کل بانک مرکزی " ابولحسن ابتهاج " از طرف قوام با اطلاع او و شما رسانیده است که کاردار شوروی تهدید کرده است که دولت شوروی توسل قوام را به شورای امنیت عمل غیر دوستانه تلقی مینماید و اینکه نخست وزیر با توجه باین تهدید مایل است که از اندرزه‌های انگلیس و امريکا برخوردار گردد و بداند که چه حمایتی از او بعمل خواهد آمد.

تلگرام چنین ادامه می یابد که شما و سفير انگلستان موافقت کرده‌اید که در حالیکه شما شخصا گمان می کنید قصور ايران در توسل به شواری امنیت لطمه شدیدی به وضع ايران میرساند و احساس می کنید که شما باید با دولتها مربوط خود قبل از دادن هرگونه اندرز و راهنمایی مشورت بعمل آورید.

سفارتخانه همچنین به ما اطلاع داده است که " بویی " وزیر امور خارجه انگلیس به سفير انگلیس در تهران دستور داده

است که با اطلاع دولت ایران برساند که به عیقده او هیچ راهی برای ایران باز نیست مگر توسل و التجاء به شواری امنیت. لطفاً به قوام بگوئید که در وضع موجود کاری برای ایران انجام نمیتوان داد جزء تقدیم عرضحال فوری به شواری امنیت. و باید باو خاطر نشان سازید که ما قبلاً هم او را به حمایت کامل خود در تقدیم چنین عرض حالی اطمینان داده‌ایم.

بیرنس

تلگرام ۱۷۴۶ - ۳ - ۲۴۹۵۱ - ۸۶

تلگراف موری سفیر امریکا در ایران به وزیر خارجه امریکا

تهران ۱۷ مارس ۱۹۴۶ - ۲۶ اسفند ۱۳۲۴

بسیار محرمانه و فوری

امروز اول وقت تلگرام ۲۱۶ مورخ ۱۶ مارس و دستوره‌های ارسالی در تلگراف شماره ۲۱۴ مورخ ۱۵ مارس (که در انتقال آن تاخیر رخ داده بود) دریافت و ظهر امروز به ملاقات قوام رفتم و هنگامیکه با او بودم تلگرام شماره ۲۱۴ شما رسید و به من داده شد و منم پیغام شما را در ساعت ۱۲ و ۴۵ دقیقه ظهر به نخست وزیر رسانیدم. به تقاضای سفیر انگلیس مجدداً نخست وزیر را مطمئن ساختم که روش انگلیس و امریکا در این مورد مشابه می‌باشد.

قوام گفت با نظر ما موافق است و امشب یا فردا تلگراف دستورالعمل به علاء خواهد داد. نخست وزیر گفت ورود سفیر کبیر شوروی فردا انتظار می‌رود. عملی که مسلماً او را بسیار مضطرب و آشفته خواهد داشت. چون او پیش بینی میکرد که سفیر شوروی خواهد کوشید او را از توسل به شورای امنیت باز دارد و مساعی بعمل خواهد آورد تا او را در تجدید مذاکرات درگیر نماید.

این موضوع نظر مرا تأیید میکند و فکر میکنم قوام نیز براین اعتقاد باشد که ماموریت "سادچیکوف" برای ایجاد اختلال و تامین امکان برای روسیه است تا به اظهار اینکه مشغول مذاکرات دو جانبه که در حال پیشرفت است میباشد از اقدام ارجاع شکایت به شواری امنیت ممانعت بعمل آورند.



"سادچیکوف" سفیر کبیر شوروی

نخست وزیر اندرز مرا در روشی که او باید در برابر سفیر جدید شوروی عمل نماید خواستار شد و اشاره کرد که خوداری از گفتگو با او ممکن است روابط ایران و شوروی را شدیداً به وخامت بکشاند و حال آنکه اگر او وارد هر نوع مذاکره با او گردد بهانه‌ای که در جستجوی آن هستند به آنها داده میشود.

من جواب دادم موضوعات بسیاری است که میتواند کاملاً با سفیر مورد بحث قرار دهد بدون آنکه وضع ایران را از لحاظ عقب‌کشی قشون به خطر اندازد. من همچنین تأکید کردم که هر اندازه نتیجه توسل فوری به شورای امنیت ممکن است نامطبوع باشد به مراتب آن از توسل کمتر خواهد بود و بنابراین به نخست وزیر اصرار ورزیدم که قبل از اینکه سفیر جدید شوروی خود را معرفی نماید دستورالعمل برای علاء بفرستد. قوام به بنظر میرسد که با توضیحات من موافقت دارد.

موری

تلگرام ۲۲۴۶ - ۳ - ۲۴۵۹ - ۸۶۱

تلگراف موری سفیر امریکا در ایران به وزیر خارجه امریکا

۲۲ مارس ۱۹۴۶ دریافت ساعت ۲ بعدازظهر

من امروز دو ساعات و نیم با نخست وزیر مذاکره کردم که از من خواست به تمام معنی محرمانه باشد (من مجدداً او را مطمئن ساختم که درزکردن تهدید - کاردار شوروی از منابع امریکائی نبوده است). برای واردکردن او به صحبت باب مذاکرات را با قوام گفتگو راجع "گرومیکو" به "لی" دبیر کل سازمان ملل مبنی بر بتاخیر انداختن جلسه شورای امنیت و اظهارات علنی مقام ریاست که جلسه بتاخیر نخواهد افتاد، باز نمودم.

نخست وزیر صراحتاً مفاد گفتار خود را با "سادچیکوف" چنانکه ابتهاج گفته بود تأیید نکرد ولی از اشارات او اطمینان یافتم که موضوع ماهیتاً صحیح بوده است. طبق اظهارات قوام، "سادچیکوف" در باکو هنگام شنیدن توسل ایران به شورای امنیت متعجب و متالم میشود و گفته بوده است که تصور میکرده است که با این اصل استنباط شده به تهران می آید که مذاکرات مسکو را ادامه دهد.

نخست وزیر در جواب "سادچیکوف" از اعتراضش که در مسکو علیه ادامه اشغال ایران وسیله روسها بعمل آورده بود

یادآور میشود و نیز از تغییراتی که او (قوام) در بیانیه مشترک بوجود آورده بود تا نشان دهد که مذاکرات در تهران ادامه نخواهد یافت متذکر میگردد.

ساد چیکوف میگوید: استالین اظهار تأسف کرده بوده است که ایران در مدت مذاکرات مسکو کوچکترین "ژست" مساعد نسبت به اتحاد جماهیر شوروی بخصوص راجع به نفت نشان نداد.

نخست وزیر جواب داده که او هیچیک از پیشنهادات شوروی را رد نکرده ولی قانون به او اجازه نمیداد پیشنهاد شوروی را راجع به نفت مورد توجه قرار دهد. او بعلاوه گفته چنانچه شوروی به او فشار وارد آورد که علیه قانون چیزی انجام دهد یگانه راهی که برایش باقی میماند استعفا خواهد بود و نخست وزیر جدید بسختی می تواند پیش از او جانب شوروی را رعایت نماید.

قوام آنگاه بعنوان "فرض" سئوالی کرد که اعتقاد مرا به داستان ابتهاج تائید نمود. او پرسید (باین کیفیت) شما به جای من چه خواهید کرد اگر سفیر شوروی در عوض عقب کشی قشون شوروی تفاهم در استخراج نفت شمال ایران را پیشنهاد نماید.

من گفتم: من فقط میتوانم بطور شخصی صحبت نمایم ولی احساس میکنم که او باید در هر نوع موافقنامه کتبی یا

مبادله نامه‌های خاص در باره ایران و شوروی بی نهایت دقت نماید.

نخست وزیر مقرر است امروز در پیشگاه شاهنشاه که حسن پیرنیا (موتمن الملک) یک سیاستمدار پیر برجسته و وطن پرست که شرفیات است نهار صرف کند و قرار است در ساعت ۵ بعد از ظهر با ساد چیکوف ملاقات کند. مگر آنکه شاهنشاه او را انصراف دهد والا من گمان میکنم که او در نظر دارد ترتیب تنظیم نوعی قرارداد را که در فوق اشاره شد بدهد که مشروط بر تعهد شوروی در برابر شورای امنیت مبنی بر عقب کشی سپاهیان شوروی در تاریخ معینی که بیش از ۶ هفته بطول نخواهد انجامید باشد.

ارسال به وزرات خارجه امریکا تحت شماره ۲۸۴ - به مسکو به شماره ۱۹۱ (سفارت امریکا) - لندن به شماره ۷۲ سفارت امریکا.

تلگرام ۲۳۴۶ - ۳ - ۲۴۵۹۱ - ۸۶۱

تلگراف موری سفیر امریکا در ایران به وزیر خارجه امریکا

تهران ۲۲ مارس ۱۹۴۶ - ۲ فروردین ۱۳۲۵

بسیار محرمانه

هنگامیکه قوام دیروز افکار خود را راجع به امکان ایجاد ترتیباتی با اتحاد جماهیر شوروی - او بطور معترضه اظهار داشت که اگر چنین ترتیبی اتخاذ شود او در این فکر است که به امریکائیان نیز همان حقوق امتیازی برای استخراج نفت در بلوچستان داده شود.

وقتی من در مقابل گفتم که انگلیسها نیز جویای امتیاز نفت می باشند. او اظهار تعجب کرد و گفت: که انگلیسها تاکنون کلیه حقوق امتیازی که ممکن است در ایران به آنها تعلق گیرد بدست آورده‌اند و کلیه قسمت‌های نفت خیز جنوب ایران که هنوز در آنها تعیین مشخصات ارضی نشده است به امریکائیان میرسد. این موضوع توجه او را بجلب سرمایه‌های اختصاصی امریکا میرساند. جزو نکاتی که وزارت خارجه باید بیاد آورد این است که او نخست وزیر سال ۱۹۲۳ بوده است که امتیاز سینکدر مورد مذاکره قرار گرفت.

موری

تلگراف شماره ۴۴۶ - ۴ - ۲۴۵۹۱ - ۸۶۱

تلگراف سفیر امریکا در ایران به وزیر امور خارجه امریکا

۴ آپریل ۱۹۴۶ - ۱۵ فروردین ۱۳۲۵

خیلی محرمانه - بسیار فوری

امروز قوام ساعت ده و نیم بما اطلاع داد که او با سفیر روسیه بیک قرارداد واقعی در کلیه نکات تحت مذاکره نائل آمده است و پیش نویس یاداشتهائی که باید در موضوع عقب نشینی سپاهیان شوروی و نفت و آذربایجان مبادله شود در دست اقدام میباشد. یاداشتها در باره آذربایجان بصورت یاداشتهای امضاء نشده باقی مانده است زیرا نخست وزیر ترجیح میدهد که این مسئله بر اساس غیر رسمی واگذار شود تا از ارائه هرگونه بهانه‌ای برای دخالت شوروی جلوگیری شود.

قوام دیشب " ساد چیکوف " را ملاقات نمود و اعلامیه‌ای امضاء کردند که بمجرد آنکه بامضاء مسکو رسید انتشار خواهند داد.

محتوای پیش نویسی را که ما دیدیم چنین است:

۱- مذاکراتی که در مسکو آغاز شده بود در تهران ادامه یافته و موافقت کامل در باره آنها بدست آمده است.

۲- قشون شوروی همه ظرف پنج یا شش هفته از ایران عقب نشینی خواهند کرد و هیچگونه قید و شرطی عطف به این عقب نشینی نمیگردد.

۳- یک قرارداد نفت برای تاسیس یک شرکت مشترک ایران و شوروی ظرف هفت ماه تقدیم مجلس شورای ملی خواهد گردید.

۴- مسئله آذربایجان صرفاً مسئله داخلی ایران است و وسیله دولت ایران مستقیماً با اهالی آن ایالت حل و فصل خواهد شد.

شرایط نفت که بطور اصولی در آنها توافق بعمل آمده است به قرار زیر است :

۱- مدت شرکت پنجاه ساله است.

۲- مدت بیست و پنج سال اول نظارت و کنترل پنجاه و یک درصد وسیله شوروی و چهل و نه درصد وسیله ایرانیان انجام مییابد.

۳- محدوده تحت عملیات این شرکت عبارتند از: گیلان، مازندران، گرگان، قسمت شمالی خراسان آن قسمت آذربایجان که در شرق خطی که از شمال شرقی محل اتصال تا میان‌دوآب واقع می باشد استثناء میگردد.

۴- کلیه نیروهای تامینی مربوط به عملیات و فعالیتهای شرکت از افراد ایرانی خواهند بود.

بطوری که استنباط می شود آذربایجان بهمان صورتی که در تلگراف شماره ۴۲۹ (۴۲۴۲) مورخ ۲۹ مارس و شماره ۴۳۵ مورخ یکم آپریل خود اظهار کرده ام باقی خواهد ماند.

قوام بی نهایت خوشحال بنظر میرسد و ظاهرا این راه حل را بسیار رضایت بخش میدانست اگرچه او تصدیق کرد که او ناگزیر بود در مسئله بورسانتاژ دخالت در شرکت نفت تسلیم روسها گردد.

پس از افشا و دریافت اعلامیه و بیانات علاء در سازمان امنیت دیشب قوام، ساد چیکوف را خواسته و باو پیشنهاد صدور اعلامیه را مینماید. او اظهار داشت که سفیر شوروی از تذکرات و یادآوریهای علاء بسیار رنجیده خاطر و متأسف شده بوده است. زیرا در یک روز قبل او و قوام متفقا توافق حاصل کرده بودند که هم نمایندگان ایران و هم نمایندگان شوروی بطور رسمی عقب نشینی بدون قید و شرط سپاهیان شوروی را به شورای امنیت اعلام نمایند. و بدینوسیله بحث خبر ضروری راجع به ماهیت مسئله را علاء پیش کشیده است.

قوام گفت که سفیر شوروی گله کرده است که قوام در اینجا یک چیز می گوید و نماینده اش در نیویورک چیزی دیگر،

بهرحال نخست وزیر باو گفته بوده است که راه فرونشاندن این غلیان و لبریز شدن این است که با انتشار یک اعلامیه موافقت نماید و او را به اینکار تشویق نموده است تا علاجی برای این مسائل گردد.

ارسالی تحت شماره ۴۶۰ به وزارت خارجه امریکا. تکراری تحت شماره ۱۴۷ به مسکو (سفارت امریکا) و ۹۵ بلندن موری.

تلگراف شماره ۱۶۴۶ - ۲۴۵۹۱/۴ - ۸۶۱

تلگراف سفیر امریکا در ایران به وزیر امور خارجه امریکا

تهران ۱۶ آپریل ۱۹۴۶ - ۲۷ فروردین ۱۳۲۵

بسیار محرمانه و فوری

قوام فورمولی ارائه میکند که وسیله هیئت دولت او تصویب شده باین مضمون: از آنجائیکه سفیر شوروی در تاریخ ۱۴ آپریل اطمینان داده است که تخلیه نیروهای شوروی بدون قید و شرط در ۶ ماه می پایان خواهد پذیرفت دولت ایران مایل است که شکایت خود را از شورای امنیت پس بگیرد.

قوام از " جرنگان " معذرت طلبید که در اطلاع دادن اقداماتش بما قصور ورزیده است و اظهار میدارد که آن صرفا بعلت سرعت حوادث بوده است و نه به قصد ناچیز گرفتن دولت امریکا بنحوی از انحاء.

جرنگان می گفت: او میترسد که تصمیم نخست وزیر موجب تأسف دولت امریکا گردد. ولی او امیدوار و مطمئن بود که دولت امریکا این امید را حاصل خواهد کرد که نتایج مطلوب را نخست وزیر بدست خواهد آورد.

موری

جنازه قوام السلطنه با تشریفات رسمی تشییع شد

بقیه از صفحه اول



تهران سال ۱۳۳۴

منبع:

زندگی سیاسی قوام السلطنه، تالیف: مهدی جعفر نیا ،
انتشارات پانوس چاپ چهارم سال ۱۳۵۷
عکسهای صفحه ۲۲ و ۳۳ از همین کتاب گرفته شده، بقیه
عکسها از گوگل گرفته شده است.